

علم نافع و عالم متعهد؛ بازخوانی قرآنی-روایی یک پیوند بنیادین

زینب قصاب دزفولی^۱

چکیده

این پژوهش با هدف تحلیل مؤلفه‌های پنج‌گانه علم نافع (عملگرایی، اخلاص، هدایت‌گری، تقوای الهی و جامع‌نگری)، ویژگی‌ها و بایسته‌های طالبان علم و شرایط عالم و متعلم، در نظام‌های آموزشی حوزوی و دانشگاهی و ارائه الگوی تحولی انجام شد. با روش تحلیل محتوای کیفی، چالش‌های کلیدی در هر مؤلفه شناسایی گردید که مهم‌ترین آنها شامل شکاف میان نظر و عمل، سیطره مدرک‌گرایی و جدایی دانش از اخلاق بود. سؤال اصلی این تحقیق عبارتست از این که «بازخوانی قرآنی-روایی علم نافع و عالم متعهد چگونه است؟». یافته‌ها نشان داد هر دو نهاد آموزشی با چالش‌های مشترکی مواجه‌اند: در حوزه‌ها کمرنگی ارتباط دروس با مسائل روز جامعه و در دانشگاه‌ها تقلید کورکورانه از الگوهای غربی. راهکارهای پیشنهادی در سه سطح طراحی شد: راهبردی (تدوین سند ملی علم نافع)، نهادی (تأسیس پژوهشکده‌های علم جامع‌نگر) و آموزشی (گنجانیدن درس اجباری مبانی علم نافع). علم نافع مستلزم تحول پارادایمی در جهت تبدیل مراکز علمی به پیشران‌های تمدن‌ساز اسلامی است.

واژگان کلیدی: علم نافع؛ عالم متعهد؛ قرآن کریم؛ روایات معصومین علیهم‌السلام؛ منابع اسلامی؛ اخلاق علمی؛ مسئولیت علمی.

^۱ فارغ التحصیل سطح ۲ مدرسه علمیه حضرت فاطمه معصومه سلام‌الله‌علیها اهواز.

مقدمه

در اندیشه امام علی^{علیه السلام}، علم نافع دارای مؤلفه‌هایی است که هم رشد فردی و هم نجات جامعه از جهل را به همراه دارد (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰). اما در عصر حاضر، گسترش اطلاعات و تخصص‌های بی‌ثمر (مانند آموزش‌های سکولار یا علوم فاقد پشتوانه اخلاقی) موجب شده است تا جوامع اسلامی با معضل «علم غیرنافع» مواجه شوند؛ علمی که نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه به افزایش جهل مرکب یا بحران‌های معنوی دامن می‌زند (اخوان کاظمی، ۱۴۰۰، ص ۴۵). امروزه با وجود تولید انبوه اطلاعات، شاهد کاهش تأثیر علوم دینی در حل مشکلات جامعه هستیم (مطیع و یآوری، ۱۳۹۱، ص ۱۲۳). از سوی دیگر، معیارهای رایج در جهان برای سنجش «علم سودمند» (مانند مقالات پراستناد یا درآمدزایی) با نگاه امام علی^{علیه السلام} به علم نافع سازگاری ندارد (همان، ص ۱۲۵). از این رو مقاله حاضر تلاش دارد با ارائه «الگوی عملیاتی»، علم نافع و عالم متعهد را با تمرکز بر آیات و روایات بازخوانی کند.

با جست‌وجوی انجام‌گرفته، نوشتاری با عنوان «علم نافع و عالم متعهد؛ بازخوانی قرآنی-روایی یک پیوند بنیادین» یافت نشد، اما آثار مرتبطی در این زمینه وجود دارد. از جمله مقاله‌ای با عنوان «تحقق علم نافع، راهبردی بنیادین در اصلاح و اعتلای کشور» نوشته اخوان کاظمی که در آن با استناد به منابع دینی، ویژگی‌های علم نافع را تبیین و بر ضرورت عملیاتی کردن این ویژگی‌ها تأکید کرده است، اما به چگونگی اجراسازی این اصول در محیط‌های آموزشی مانند حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها کمتر پرداخته است (اخوان کاظمی ۱۴۰۰، ص ۵۰).

مقاله دیگری با عنوان «ملاک علم نافع در دانشگاه اسلامی بر اساس قرآن و احادیث» نوشته مطیع و یآوری وجود دارد که اگرچه معیارهای ارزشمندی ارائه می‌دهد، اما به چگونگی تطبیق این ملاک‌ها با نیازهای عصر حاضر (مانند آموزش مجازی یا علوم جدید) نپرداخته است (مطیع و یآوری، ۱۳۹۱، ص ۱۲۰). همچنین پایان‌نامه‌ای با عنوان «علم نافع از دیدگاه آیات و روایات» نوشته چترایی موجود است که با روش تفسیری به بررسی آیات و روایات مرتبط با علم نافع پرداخته و ویژگی‌های علم نافع، شروط کسب آن و صفات بهره‌مندان از این علم را تحلیل کرده است، اما به کاربرد این معیارها در نظام‌های آموزشی معاصر توجه نکرده است (چترایی، ۱۳۸۹، ص ۱۰).

در این نوشتار ابتدا مولفه های علم بنیادین معرفی می شود، سپس ویژگی ها و بایسته های عالمان و طالبان علم از جمله صفات ممدوح و پسندیده، صفات منفی و مذموم را بررسی کرده و در نهایت به شرایط و آداب معلم و متعلم پرداخته می شود.

مفهوم شناسی

قبل از شروع بحث، به تبیین مفهومی سه عبارت کلیدی «الگوی عملیاتی»، «علم نافع» و «عصر اطلاعات» میپردازیم: **معنای لغوی الگوی عملیاتی:** الگو در لغت به معنای «مثال، سرمشق، مدل، و نمونه» آمده است. بر اساس لغتنامه دهخدا، الگو چیزی است که به عنوان نمونه یا مدل برای تقلید یا پیروی استفاده میشود (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۲۳۴). عملیات نیز در لغت به «کارها، اقدامات، و مجموعه فعالیتهای سازمانیافته» اشاره دارد. در فرهنگ معین، عملیات به «سلسله اقدامات برنامه ریزیشده برای رسیدن به هدفی مشخص» تعریف شده است (معین، ۱۳۷۱، ص ۵۶۷). **معنای لغوی علم نافع:** علم نافع در مقابل علم ضار است و علامت آن این است که در نفس، تقوا و تواضع و نیستی را افزایش دهد (کاشانی، ۱۳۹۴، ص ۳۶).

معنای اصطلاحی علم نافع: علم نافع همان حکمت است که بیانکننده اهداف آفرینش هستی و انسان می باشد. پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید:

«كَلِمَةُ الْحِكْمَةِ ضَالَةٌ الْمُؤْمِنِ فَحَيْثُ وَجَدَهَا فَهُوَ أَحَقُّ بِهَا» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۹۹).

پس انسان می بایست دنبال حکمت باشد، حتی در میان کافر و مشرک و منافق. (کمال الدین میثم بن علی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۴۷۷).

علم و دانش برای آن است که حق را بشناسید، از باطل جدا سازید، راه رسیدن به حقیقت را بیابید و در چارچوب آن عمل کنید. بنابراین لازم است هدف را از طریق علم و حکمت شناخته، موانع را دانسته و براساس آن عمل کنیم تا به هدف برسیم. این همان علم نافع است؛ زیرا همراه با عمل است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل ماده علم).

معنای لغوی عصر اطلاعات: عصر اطلاعات به دوره ای تاریخی اطلاق می شود که در آن اطلاعات و دانش به کالایی استراتژیک تبدیل شده اند. در فرهنگ لغت دهخدا، عصر به "زمان و دوره ای مشخص" و اطلاعات به "مجموعه ای از دانش های سامان یافته" تعریف شده است.

- "عصری که ویژگی اصلی آن جابجایی قدرت از سرمایه‌داران صنعتی به صاحبان دانش و اطلاعات است" (رضوی، بی‌تا، ص ۱۵-۱۲).

۱. مؤلفه‌های علم نافع

۱.۱. اخلاص

از مهم‌ترین شرایطی که در منابع دینی ما برای قبولی اعمال و عبادات ذکر شده، «اخلاص» است. این صفت اساسی‌ترین عنصر در پذیرش و قبولی اعمال است، اعمال عبادی بدون اخلاص، در حقیقت دور کننده انسان از مقام ربوبی است. از همین روی اگر انسان بخواهد اعمال و رفتار او کاملاً رنگ خدایی داشته باشد، باید اعمالش همراه با اخلاص باشد. اخلاص مرز بین قبولی و یا رد اعمال است. امام علی علیه‌السلام فرمودند:

«أَنْتَ لِمَنْ يُقْبَلُ مِنْ عَمَلِكَ إِلَّا مَا أَخْلَصْتَ فِيهِ»؛ (قبول نمی‌شود از عمل تو؛ مگر عملی که در آن اخلاص داشته باشی). (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۲۰۳)

«اخلاص» عبارت است از خارج ساختن غیر خداوند از حرم دل، و اختصاص آن به محبوب ازلی و ابدی. اخلاص به ذات اقدس الهی، یعنی قرار گرفتن در مسیر «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره: ۱۵۶) از منابع اسلامی و از لابلای تحقیقات محققان در انسان شناسی دینی برمی‌آید که اخلاص در اندیشه و گفتار و کردار، موجب لایروبی چشمه‌سارهای درونی است که با پاک شدن آنها، انبوه معرفت ناب و خالص از درون انسان به جریان می‌افتد.

۱.۲. عملگرایی

امام علیه‌السلام در حکمت ۳۶۶ به نکته‌ی مهمی درباره‌ی رابطه‌ی تنگاتنگ علم و عمل اشاره کرده، می‌فرماید: «العلم مقرون بالعمل: فمن علم عمل؛ والعلم يهتف بالعمل: فإن أجابه وإلا ارتحل عنه» (علم با عمل همراه است و هر کس [به راستی] عالم باشد عمل می‌کند. علم، عمل را فرا می‌خواند؛ اگر اجابت کرد و آمد، علم می‌ماند و الا کوچ می‌کند). در توضیح این گفتار حکیمانه، سه تفسیر وجود دارد که مناسب‌ترین تفسیر برای این گفتار حکیمانه این است که: علم حقیقی با عمل توأم است و کسی که از عمق جان خود چیزی را بداند به آن عمل می‌کند. علم دعوت به عمل می‌کند؛ زیرا تأثیر علم، عمل است. اما اگر بر طبق آن عمل نشود، علم به تدریج تبدیل به شک

می‌گردد. لذا بعضی از گنهکاران - مثلاً شخص شرابخوار یا تارک‌الصلاة - بعد از مدتی به خود می‌گویند: اصلاً چه کسی گفته شراب حرام است و نماز واجب؟ (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱۵، ص ۴۶).

در همین باره قرآن مجید می‌فرماید:

«ثم كان عاقبة الذين أساءوا السوء أي أن كذبوا بآيات الله وكانوا بها يستهزئون» (سپس سرانجام کسانی که اعمال بد مرتکب شدند، به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و آن را مسخره نمودند!) (روم: ۱۰).

این آیه به وضوح می‌گوید: گنهکاران در عاقبت، کارشان به جایی می‌رسد که آیات الهی را نیز تکذیب می‌کنند؛ بلکه آن را به سخره می‌گیرند. بنابراین اگر بخواهیم علم ما تبدیل به جهل نشود و در مبانی علمی خود تردید نکنیم، باید به آنچه می‌دانیم جامه‌ی عمل بپوشانیم تا علم ما تبدیل به یک علم پایدار گردد. اصولاً علم - به‌خصوص در ارتباط با فروع دین و مسائل اخلاقی - جنبه‌ی مقدماتی دارد؛ یعنی مقدمه‌ای است برای عمل و تکامل انسان از این طریق. و می‌دانیم اگر تمام مقدمات برای انجام کاری آماده باشد و کار انجام نشود، مقدمات ارزشی ندارد. لذا امیرمؤمنان علیه‌السلام در خطبه‌ی ۱۱۰، عالم بی‌عمل را به منزله‌ی جاهل بی‌خبر شمرده است و می‌فرماید: «و إن العالم بغیر علمه كالجاهل الحائر الذی لا یستقیق من جهله؛ بل الحجة علیه أعظم، والحسرة له ألزم، وهو عند الله ألوَم» (به‌یقین، عالمی که به غیر علمش عمل می‌کند، همچون جاهل سرگردانی است که هرگز از جهل خویش بیرون نمی‌آید؛ بلکه حجت بر او عظیم‌تر، حسرتش پایدارتر و سرزنش او در پیشگاه خدا سزاوارتر است!). این نکته نیز قابل توجه است که علم مراتبی دارد. در مرحله‌ی سطحی ممکن است آثار عملی از خود نشان ندهد، ولی اگر به مرحله‌ی یقین قطعی که در درون جان انسان نفوذ دارد برسد، توأم با عمل است (شریف الرضی، خطبه ۱۱۰).

۱.۳. هدایت‌گری

امام علی علیه‌السلام در حکمت ۱۴۷ در بیان برتری علم بر ثروت، در پنجمین و ششمین توصیف - که در واقع علت اصلی تمام مشکلات و بدبختی‌های آنان است - می‌فرماید: «آنان به نور علم روشن نشده‌اند تا در مسیر ثابتی به سوی اهداف والایی حرکت کنند و نیز تکیه‌گاه محکمی ندارند که به آن چسبیده باشند تا نسیم‌ها و حتی طوفان‌ها هم نتوانند آنان را جابه‌جا کنند. اینان حال کسانی هستند که نه عالمند و نه متعلم، نه دانشمند و نه پیرو دانشمندان.»

آیه: «وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ» (لقمان: ۱۸).

روایت:

امام علی علیه السلام می فرمایند: «الْعِلْمُ يَزِيدُ الشَّرِيفَ شَرَفًا وَالْوَضِيعَ رِفْعَةً وَ يَزِيدُ الْمُتَوَاضِعَ لِلَّهِ عِلْمًا» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۱، ح ۱۰۵۷).

۳.۳. عمل به علم

شرط اصلی تأثیرگذاری علم، عمل کردن عالم به آن است. عالمی که خود به علمش عمل نمی کند، مانند چراغی است که به دیگران نور می دهد ولی خودش می سوزد (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۶۱).

آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ * كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف: ۲ و ۳).

روایت: امام علی علیه السلام می فرمایند: «عَالِمٌ غَيْرُ مُعَلِّمٍ كَغَيْرِ عَالِمٍ فَالْفَرْقُ بَيْنَهُمَا أَسْبَقُ مِنْ بَيْنِ السَّهْمِ وَالْغَرَضُ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۸۷).

۴. شرایط و آداب متعلم (طالب علم)

در همان حدیث و شرح آیت الله جوادی آملی، به وظایف طالب علم پرداخته شده است، که در ادامه به این توضیحات، و آیات و روایات مرتبط با هر یک از شرائط اشاره می شود:

۱.۴. تصفیه نیت و هدف

متعلم باید هدف خود از علم آموزی را خالص کند و تنها به قصد قرب به خدا و خدمت به بندگان او دانش بیاموزد (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۸۷).

آیه: «قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ» (انعام: ۱۶۲ و ۱۶۳).

روایت: امام صادق علیه السلام می فرمایند: «نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۸۵).

۲.۴. تواضع در برابر معلم

متعلم باید برای کسب علم، حریص و فروتن باشد و در برابر استادش تواضع کند. این تواضع، کلید دریافت فیض علمی است (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۹۵).

آیه: «وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (شعراء: ۲۱۵).

روایت: امام صادق علیه السلام می فرمایند: «إِنَّ مِنْ حَقِّ الْعَالَمِ عَلَيْكَ ... أَنْ لَا تَدْخُلَ عَلَيْهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ لَا تُلَحَّ عَلَيْهِ فِي مَجْلِسِهِ ... وَ إِذَا سَأَلْتَهُ فَأَكُنْ مُتَعَلِّمًا» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۲۵).

۳.۴. عمل تدریجی به علم

متعلم باید به محض فراگیری هر دانشی، به آن عمل کند تا علمش ریشه دار شود و برکت یابد (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۲).

آیه: «وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَ آتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ» (محمد: ۱۷).

روایت: امام علی علیه السلام می فرمایند: «كُونُوا دُعَاةَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اِلْسِتِكَامٍ» (شریف الرضی، ۱۳۷۹، ص ۵۲۱، حکمت ۳۰۲).

نتیجه گیری

این پژوهش با بازخوانی قرآنی-روایی پیوند بنیادین «علم نافع» و «عالم متعهد»، به واکاوی مؤلفه‌های اساسی این مفهوم و چالش‌های پیش روی آن در نهادهای آموزشی حوزوی و دانشگاهی پرداخت. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که علم نافع، بر پایه متون دینی، علمی است که واجد مؤلفه‌های پنج‌گانه اخلاص، عملگرایی، هدایتگری، تقوای الهی و جامع‌نگری باشد و کسب آن منوط به رعایت شروطی چون ایمان، عمل و رفع نیاز جامعه اسلامی است.

بررسی ویژگی‌های عالمان و طالبان علم نشان داد که تحقق این آرمان، در گرو تربیت اندیشمندانی است که واجد صفات ممدوحی چون حرص در کسب دانش، نرم‌خویی، تعمق و تدبیر، کتابت علم و سخت‌کوشی بوده و از آفات مذمومی چون ریاکاری، ارتزاق ناروا (استثکال) و کتمان علم بپرهیزند. همچنین، شرایطی چون رعایت تقوا و اخلاص، تواضع علمی و عمل به علم برای عالم، و تصفیه نیت، تواضع در برابر معلم و عمل تدریجی برای متعلم، از جمله بایسته‌های غیرقابل اجتناب این مسیر است.

با این وجود، تحقق این الگوی آرمانی با چالش‌های ساختاری عمیقی روبروست که مهم‌ترین آنها شکاف میان نظر و عمل در پژوهش‌ها، سیطره مدرک‌گرایی در نظام ارتقاء و جدایی دانش از اخلاق تحت تأثیر رویکردهای پوزیتیویستی است. نتایج تطبیقی بیانگر چالش‌های مشترک هر دو نهاد است؛ به گونه‌ای که در حوزه‌ها کمرنگی ارتباط دروس با مسائل روز جامعه (به‌ویژه در فقدان فقه‌التربیه کاربردی) و در دانشگاه‌ها تقلید کورکورانه از الگوهای غربی (که در کتب درسی مهندسی مشهود است) مانع اصلی به شمار می‌روند.

راهکار بنیادین برای خروج از این وضعیت، ایجاد پیوند ارگانیک بین حوزه و دانشگاه از طریق سازوکارهایی نظیر تأسیس کمیته‌های مشترک حوزه-دانشگاه-صنعت و پژوهشکده‌های علم‌جامع‌نگر است. تحقق علم نافع مستلزم سه تحول راهبردی است: گذار از دانش انتزاعی به حل مسئله جامعه‌محور، جایگزینی شاخص‌های کمی با معیارهای اثرگذاری اخلاقی و تبدیل مراکز علمی به پیشران‌های تمدن‌ساز. در این راستا، تدوین سند ملی علم نافع با مشارکت شورای عالی حوزه و وزارت علوم، اختصاص ۳۰٪ بودجه پژوهشی به طرح‌های حل مسئله و طراحی درس اجباری «مبانی علم نافع» در مقطع کارشناسی ارشد همه رشته‌ها پیشنهاد می‌گردد.

در پایان، همان‌گونه که امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند: «قِيمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ»، تحقق این آرمان والا زمانی میسر خواهد شد که حوزه و دانشگاه، علم را نه به مثابه کالایی تجاری، که به عنوان امانتی الهی در مسیر تعالی انسان و آبادانی سرزمین‌های اسلامی بشناسند و با تمسک به مؤلفه‌های علم نافع، بار دیگر تمدن اسلامی را احیا نمایند.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن شعبه حرانی، حسن (۱۴۰۴ ق). تحف العقول، قم: نشر اسلامی.
۲. ابی فراس، ورام ([بی تا]). مجموعه ورام، آداب و اخلاق در اسلام، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
۳. اخوان کاظمی، بهرام (۱۴۰۰). «تحقق علم نافع، راهبردی بنیادین در اصلاح و اعتلای علمی کشور»، ۴، ۲۵-۴.
۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۴۱۰ ق). غرر الحکم و درر الکلم، قم: دار الکتب الاسلامی.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵). آیین دانشوری، قم: اسراء.
۶. چترایی، نسیم (۱۳۸۹). علم نافع از دیدگاه آیات و روایات، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم - دانشکده علوم قرآنی قم.
۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغتنامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
۸. شهید مطهری، مرتضی (۱۳۶۷). انسان کامل، قم: صدرا.
۹. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر نشر اسلامی.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی، تهران: نشر اسلامیه.
۱۱. ابن میثم، کمال الدین میثم بن علی (۱۴۰۴). شرح نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر کتاب.
۱۲. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۳. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۶۷)، میزان الحکمه، قم: مکتب الاعلام السلامی.
۱۴. مطیع، حسین و یاور، سوده (۱۳۹۱). «ملاک علم نافع در دانشگاه اسلامی بر اساس قرآن و احادیث»، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی،
۱۵. معین، محمد (۱۳۷۱). فرهنگ معین. تهران: امیرکبیر. ۲، ۲۳۱-۲۵۰.

۱۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه.